



روح ارضی کی

فهرست

- ۲۳ مقدمه
- ۲۵ سرآغاز
- ۲۹ بخش اول: «از زمین...»: درنگ‌های موشکافانه تربیتی در زمینه‌های علی‌اصغر شیدن
- ۵۰ کودک یک‌روزه این ماجرا به اندازه یک دنیا سخن دارد...
- ۵۱ مگر شش ماهه را اختیاری است که به دفاع از حق برخیزد؟
- ۵۲ کودکان سرنوشت‌ساز
- ۵۳ سرچشمه!
- ۵۴ شناس نامه علی‌اصغر
- ۵۴ در کربلا حداقل با دو طفل شیرخواره مواجه ایم (و نه یکی)
- ۵۴ عبدالله بن الحسین (عبدالله رضیع) یا علی‌اصغر دوم
- ۵۵ علی‌اصغر (علی بن الحسین)
- ۵۷ جهت مطالعه بیش‌تر: علی‌اصغریا عبدالله رضیع؟ سن؟ محل دفن؟ و...
- ۶۰ جریان نام‌گذاری
- ۶۱ اثر تربیتی نام‌گذاری
- ۶۲ ارتباط عاطفی با صاحب نام و تأثیرگذاری بر شخصیت و هویت افراد
- ۶۳ اثر فرهنگی نام‌گذاری
- ۶۴ معاویه هم اثر نام‌ها را فهمیده بود: ماجرای در «فیل» و در «اژدها»ی مسجد کوفه!
- ۶۶ تکرار نام زیبای «علی» زینت بخش خانه امام حسین
- ۶۸ شبهه‌ای سخیف: خواهرم هم اسم فرزندش علی است!
- ۶۹ خانواده علی‌اصغر: پدر و مادری انقلابی

- ۷۰ کودک: نمایش گاه صفات والدین
- ۷۱ زمینه‌ها را دریاب!
- ۷۲ معادله فرزند خوب!
- ۷۳ آینده‌ی اکبری در تربیت علی اصغری!
- ۷۵ وراثت لیاقت ساز است
- ۷۶ پدرها حسینی ترباشند، مادرها رباب‌تر!
- ۷۷ بهترین شغل: مادری
- ۷۹ رهاورد دامان پاک مادران زهرایی
- ۸۰ محسن کرپلا
- ۸۱ پس پسر نوح چه؟!
- ۸۳ قسم به شیرخواره کرپلا! مادرها قدر خودشان را بدانند!
- ۸۵ وظیفه‌ی مادری
- ۸۷ مادر با یک دست گهواره را می‌جنباند و با دست دیگر عالم را!
- ۸۸ شیر پاک خورده!
- ۸۹ ماجرای «شیر»ی پسر ناخلف یک عالم شهید!
- ۹۱ بی‌وضو شیر نداد...
- ۹۲ من غم و مهر حسین با شیر از مادر گرفتم...
- ۹۴ مادران بخوانند: پسر امام علی که ترسید!
- ۹۵ تجربه‌ی آغوش نورانی اهل بیت
- ۹۷ خانواده، کارگاه تربیت فرزند
- ۹۸ از مهد کودک تا خانه سال‌مندان: هرچه عوض دارد، گله ندارد!
- ۱۰۱ بروز کسب حرام در نسل
- ۱۰۲ لقمه‌های سرنوشت ساز
- ۱۰۳ فرمول‌هایی برای تربیتی در طراز علی اصغر امام حسین
- ۱۰۴ وقتی همه آرزوی داشتن کودکی مثل علی اصغر را کردند...
- ۱۰۵ دوست داشتنی‌ترین معلم خانواده‌های دنیا
- ۱۰۶ اثرسید کالای خانواده در فهم کلام امام!
- ۱۰۷ تمام خانواده حسین
- ۱۰۸ قصه «زمینه»های علی اصغری، مقدمه «اراده» علی اکبری!

- بخش دوم: «... تا آسمان» برداشت‌هایی فرازمینی با درنگی در آموزه‌های دینی ۱۰۹
- «تا آسمان» فرصتی برای تدبیر در کتاب آسمانی کربلا ۱۱۰
- کوچک، ولی کوثری: مکان، زمان، کودکان ۱۱۱
- هیچ شهیدی مثل تو نبود: ویژگی‌های ممتاز حضرت علی اصغر ۱۱۳
- درنگی در اطراف مقتل حضرت علی اصغر: بر دل امام چه گذشت؟ ۱۱۵
- شباهت کربلا به قرآن: علی اصغر علیه السلام کوچک‌ترین سوره و آیه کربلا ۱۱۸
- قرآن کوچکی بردست حسین! ۱۲۲
- تدبیر امام برای هدایت دل‌هایی که قرآن در آن اثر نکرد... ۱۲۴
- چرا ابوالفضل العباس و علی اصغر باب الحوائج کربلا هستند؟ ۱۲۶
- شبهه بن‌بست شکنی علی اصغر در کربلا، راز باب الحوائجی: حسین هنوز سربازدارد! ۱۲۸
- سرعت رشد در کربلا و محضر امام حسین ۱۲۹
- آن همه اصغر شدند، اکبرم این است... ۱۳۰
- تو هم علی اصغر باش: فرزند کوچک حضرت حسین! ۱۳۱
- وارث حسین باش، فرزند حسین! ۱۳۲
- یاری سلاح ۱۳۴
- اگر هیچ سلاحی نداری... ۱۳۵
- جان‌بازی در راه خدا سن و سال نمی‌شناسد: باید اهل لبیک بود! ۱۳۶
- رجزی از جنس گریه ۱۳۸
- از گریه علی اصغر تا گریه امام حسین ۱۳۹
- راز پیوند با حسین ۱۴۱
- فتح عالم با اشک ۱۴۲
- گریه سیاسی ۱۴۴
- گریه‌کنان وارث گریه‌های علی اصغرند ۱۴۵
- یاری امام با اشک ۱۴۶
- پاسخ استنصار حضرت حسین: نوزادی که به یاری پدر شتافت ۱۴۷
- همیشه با حسین ۱۵۰
- روضة قرآنی علی اصغر: با فرعون نرم سخن بگو! ۱۵۱
- برهان تصویری ۱۵۲
- معنای تَلَفُّظی ۱۵۴
- جان‌سوزترین مصیبت عاشورا: از شیر گرفتن علی اصغر بود ۱۵۶

- پیام تسلیت خدا
ترجمان آیه «تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ... وَأَنْشُرُوا بِالْحَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» در روضه
۱۵۹
علی اصغر
۱۶۰
رهايش كن حسين!
۱۶۲
خونی که برنگشت
۱۶۳
پاشیدن خون علی اصغر به آسمان، یادآور آیه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ»
۱۶۵
مدیریت رنج ها مبتنی بر روضه علی اصغر: چون خدا می بیند آسان است
۱۶۶
کمی از اسرار پدر «عبدالله»: السلام عليك يا ابا «عبدالله»!
۱۶۷
وقتی رهبری عزیز برای دل گرمی مردم فلسطین از حضرت علی اصغر می گوید
۱۶۸
حرفی که در رثای حبیب هم فرمود
۱۶۹
عزیزتر از نافع صالح
۱۷۰
چرا امام فرمود: خدايا! اين کودک من از بچه نافع صالح نزد تو کم تر نيست؟
۱۷۲
شباهت ها
۱۷۲
تفاوت ها
۱۷۶
قوت قلب پدر!
۱۷۸
بی دست هم می توان باب الحوائج شد
۱۷۹
دشمن هم بزرگی مقامت را فهمیده بود
۱۸۰
اوج انقطاع امام در روضه علی اصغر
۱۸۱
کمی درباره تیر سه شعبه
۱۸۳
تیری که ذبح کرد...
۱۸۶
سه هم بازی علی اصغر
۱۸۸
چرا امام، حضرت زینب را صدا زد؟
۱۸۹
حسین رمز عرشی شدن است
۱۹۱
خود را به دست حسین برسان!
۱۹۲
شهادت امام را به تأخیر بینداز!
۱۹۳
جهت مطالعه بیشتر: نقلی دیگر
۱۹۴
حرف نیمه تمام امام: داشت با دشمن حرف می زد که ناگهان...
۱۹۵
شبیه حسین
۱۹۶
فناي در ولی الله و اراده او: شهیدی که خودش برای شهادت خودش نیت نکرد!
۱۹۷
دروازه ای که علی اصغر برای یاری امام زمان گشود
۱۹۹
همان که سپاه را به هم زیخته
۲۰۱

- ۲۰۲ راز لب خند؟
- ۲۰۶ جهت مطالعه بیش تر: حسین، امام اشک و لب خند!
- ۲۱۱ یادگیری از مقتل شناسی اهلای باغ سیب
- ۲۱۱ دقت هایی ستایش برانگیز
- ۲۱۲ عنایت به ملاحظات تبلیفی
- ۲۱۴ این گل، نخورد آب و به گل چین گلاب داد
- ۲۱۶ فهم علی اصغری
- ۲۱۷ تذکری برای ذاکران و مادحان: خنجرهات را برای ارباب هزینه کن
- ۲۱۸ مجلس داری امام صادق برای روضه شیرخواره
- ۲۱۹ تذکری برای مستمعان: در مقابل روضه های غربت امام، بی تفاوت نباش!
- ۲۲۱ شبیه گلوی بریده حضرت علی اصغر
- ۲۲۲ هرکس «حسین» بزرگش نماید
- ۲۲۳ کوچک ترین «اولاد حسین» به لشگری «بی حسین» می ارزد
- ۲۲۴ خدا راه را برای اثرگذاری ات خواهد گشود...
- ۲۲۵ من قیامت جلوی حرمه را می گیرم
- ۲۲۶ نفرین بی نظیر... - - -
- ۲۲۷ از حرمه چه خبر؟
- ۲۲۸ حرمه که بود؟
- ۲۲۹ دشمن را بشناس: بهانه ای برای به رخ کشیدن مهارت تیراندازی
- ۲۳۱ هم راهان و هم کاران حرمه؟!
- ۲۳۳ امان از وقتی که استعداد حرمه بودن بالقوه ما هم، بالفعل شود...
- ۲۳۴ پای روضه شیخ جعفر شوشتری: اصلی ترین روضه علی اصغر...
- ۲۳۵ امضای پایان کربلا
- ۲۳۶ کاش بودید و می دیدید
- ۲۳۷ به دنبال زبان حال هایی مناسب حال ریاب
- ۲۴۰ تحشیه: در جستجوی زبان حال هایی در شأن «هم راهان» حضرت ریاب
- ۲۴۱ اشارتی در روضه جناب ریاب
- ۲۴۲ از هاجر تا ریاب: مادری دوید، حالا خدا همه را به خاطر این مادر می دواند...
- ۲۴۳ چشمه های زمزمی که برای اسماعیل کربلا جوشید...
- ۲۴۴ سؤال غیرتی قاسم: مگر دشمنان به خیمه می آیند؟ علی که در گهواره است...

- ۲۴۵ اگر گهواره را پَس داده بودند...
- ۲۴۹ گهواره‌ای در خاک: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا»
- ۲۵۰ گهواره قهرمان‌ها: همیشه سربازهایی در گهواره هستند...
- ۲۵۱ کهکشان راه شیری
- روضه‌ای در قامت یک حجت بالغه: اگر کودک‌کشی در کربلا جنایت بوده، در غزه و یمن و بحرین هم جنایت است
- ۲۵۲ قبری نشان کربلا
- ۲۵۳ نماد عاطفه در کربلا: دفن کنار قلب امام
- ۲۵۵ مستند نیش قبر علی اصغر و سر شیرخواره به نیزه؟!
- ۲۵۷ مابعدالتحریر: اما اگر آن کودک دفن نشده باشد...
- ۲۶۰ خَتَامُهُ مِسْكَ: لیکن این‌ها حرف‌هایی است که باید بالآخره گفته و شنیده بشود و تکرار شود
- ۲۶۱ گزاره هر حدیثی، وقتی که هنری باشد...
- ۲۶۲ مطالب بین الفساد را نخوانید
- ۲۶۳ نرم و آهسته بیایید...
- ۲۶۴ بخواب اصغر!
- ۲۶۵ از کوچک‌ترین‌شان بزرگ‌ترین کارها بر می‌آید
- ۲۶۶ شیرخواری پیرپرور یافتم...
- ۲۶۷ آیت الله بهجت: ده بار روضه علی اصغر بخوان!
- ۲۶۸ میرزای شیرازی: روضه‌خوان! هر شب روضه علی اصغر بخوان
- وقتی آیت الله شاه‌آبادی خواست بر سر جنازه‌اش روضه حضرت علی اصغر بخوانند ۲۶۹
- ۲۷۰ کرامت حضرت علی اصغر به شیخ جعفر مجتهدی
- ۲۷۱ چند سطری در هوای عموی علی اصغر...
- ۲۷۳ کتاب نامه

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَا أَدْرِيكَ مَا الْأَضْغَرُ

کربلا یعنی ز خود فارغ شدن
کودک شش ماهه و بالغ شدن

علی اصغر، امضای مظلومیت حسین و معصومیت عاشورا است. حماسی ترین گریه ای که تاریخ به خود دیده است، گریه حماسی کودکی در غریبانه ترین لحظه های میدان، گریه علی اصغر ذوالفقار علی در عاشورا است. کودکی بی زره به میدان آمده است، رجز می خواند بی واژه در نهایت عطش. کربلا باب الحوایجی دیگر دارد، سرداری که بعد از ابوالفضل، مشکی از گریه و اشک آورده است. مگر باب الحوایج کسی نیست که درها را می گشاید و بن بست ها را می شکند؟ اینک کودکی آمده است؛ نه! آخرین سردار آمده است تا بن بست بی یآوری حسین را بشکند. در پژواک صدای حسین که «هَلْ مِنْ مُعِينٍ» می گوید چه کسی جز حنجر سپید و تشنه اصغر پاسخ می گوید؟ این گریه اعلام سربازی است، یعنی پدر! تنها نیستی؛ من هستم و حسین باز می گردد...



ممنونم اصغرا! که برادرم را برگرداندی تا بار دیگر حضورش را
جرعه‌ای بنوشم. زینب است که سپاس‌دار اصغراست. اهل حرم نیز.
خیمه‌نشینان چه قدر ممنون اصغرند که در باغ نگاه‌شان قامت حسین
را شکوفا کرده است، امتزاج شادی و اندوه و اصغرا نه مادر که زینب
به پدر سپرد، پدر لب‌هایش را مکید، الله اکبر!

پدر از اصغر سیراب می‌شود؛ اصغر آرام شده است و ناگهان گریه
دوباره و رجزی که تنها تیر...

سلام حنجره معصوم! سلام اصغرا! سلام آیت اکبر عاشورا! و سلام
بر قلمی که اصغر نگار و راوی معصومیت سردار کوچک حسین است،
سلام بر علی‌اصغری که نگاشت و علی‌اصغری که نگاشته شد؛ سلام
[علیه] یوم ولد و...

محمد رضا سنگری

سرآغاز

کربلا کوتاه‌ترین حادثه هستی است که از حیث زمان در کم‌تراز یک روز رقم می‌خورد و نیز در کوچک‌ترین مقیاس زمینی از حیث مکان یعنی در وسعتی محدود، در سرزمینی دورافتاده و ناشناخته اتفاق می‌افتد؛ ولی این کوتاه‌ترین و کوچک‌ترین، پرنعکاس‌ترین حادثه هستی می‌شود که بازتابش همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها را در نور دیده و فتح کرده است و هر روز بیش از دیروزش قدرت، شوکت و وسعت می‌یابد. تمام عناصر عاشورا چنین‌اند و این است که هربخش آن را شایسته تأمل ویژه کرده است. این جا نه فقط بزرگ‌ترها که کوچک‌ترها هم سهمی دارند! این جا کودکان‌شان، به قدر عمر نوح سخن دارند! کودک یک‌روزه این ماجرا به اندازه یک دنیا سخن دارد که در این مجال «نم»ی از «یم»ی را خواهیم چشید...

سخن از عاشورا و کربلا را نباید صرفاً درس تاریخ و جغرافیا دانست و به مطالعات تاریخی و جغرافیایی آن اکتفا کرد. تاریخ و جغرافیا مقدمه و پیش‌نیاز فهم‌های عمیق از کربلا برای بهتر زندگی کردن است. این اتفاق، شنیدنی‌ترین و خواندنی‌ترین خواهد شد، اگر با عنایت به مسائل جاری امروز و در پاسخ به پرسش‌های روز دیده شود...

این اثر به قدر بضاعت مُرجات خویش، عهده‌دار طواف گرداگرد قنداقه شیرخواره کربلاست!



و این گونه بود که در تابستان سال ۱۳۹۱ نخستین محصول این شاخسار در دارالعباده و دارالعلم «یزد» به ثمر نشست و این میوه به محضر اندیشه های تابناکی «رسید» تا باز در گرمابخش نگاه شان بهتر و بیش تر «برسد»؛ بعد از آن هم در «فرصت فکر و ذکر»^۱ی که در اعتکافی از جنس سرزمین عتبات عالیات رقم خورد، در زیر آفتاب کربلا و نجف به سیر تکامل خویش نزدیک تر شد تا این که بار دیگر در تابستانی دیگر در سال ۱۳۹۵ میوه هایی شاداب تر و رسیده تر را به بازوان اندیشه روانه کند که در طبقی از لطف محضران ارائه شده است.

نیز آن ها را که با پشتیبانی های خودشان مددی رساندند و با دستی گهواره جنبان این کار حسینی و علی اصغری شدند، سپاس! عاشورا پرهان عزیز حجج اسلام حضرات دکتر علی ملاکاظمی و قاسم اردکانی و آقایان حاج سید محمد رضا یعقوبی آل، محمد جواد زارع رشکویه، محمد غلام قوام آبادی و زحمات و پراستاری و طراحی برادران عزیزمان آقایان دکتر حمید درویشی، حاج حسین براتی، سجاد زمانی، قاسم رستم پور و هم دیگرانی که قدمی در این مسیر نورانی برداشتند... دست کوچک باب الحوائج نازنین کربلا، گره گشای همواره پیچ و تاب زندگی هر دوسرای شان باد!

امید که همه اساتید و حق داران را از این اثر، سهمی و حظی و بهره ای باشد. خصوصاً روح بلند آیت الله میرزا حسن ابوترابی عطرالله مرقده که

۱. چنان چه در اثر «دعوا سر اولویت است» در فصل «کربلا، فرصت فکر و ذکر» بیان شد: «زندگی باید در مدار کربلای ابا عبدالله الحسین باشد، کربلا در خلوت و هیاهویش فرصت ساخته شدن است، کارگاه سازنده فکر و ذکر»
کربلا دوره فکر آفرینی، تولید اندیشه و نیز کارآموزی است برای هر که آرزومند تحول آفرینی است. تحول از خود تا جامعه.
شکوه مندترین، مؤثرترین و برجسته ترین رویکردها را در عاشورا باید جستجو کرد. کربلا عالی ترین پایگاه برای درنگ در ره یافت های بدیع و اثر بخش و درک ابعاد آن است...»

«اهالی باغ سيب»^۱ چشمان بارانی اش را در روضه های دزدانه کربلا همیشه متذکرند. باشد که آن ها هم در حلقه «حَدَاثُ الْحُسَيْنِ»^۲ شان، «اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ»^۳ را فراموش نکنند.

این اثر رهاورد نهالی است که تا درختی تناور شدن، فصولی فاصله دارد که به همت آبیاری اندیشه های تان و آفتابی دعاهاى خیرتان، زودتر به بار خواهد نشست و این نهال خرما به یمن عنایات صاحب نفسان عاشورایی نخلی باسق، تناور و بالنده خواهد شد...

إِنْ شَاءَ اللَّهُ

بِمَنْهَ وَكَرَمِهِ

کوچک تر از این نداشت و آلا نشان می داد کوچک تر از او را هم بزرگ ترین خواهد کرد؛ هرکس «حسین» بزرگش نماید!
عالم از این خوب تر پناه ندارد...

سید علی اصغر علوی

دارالعباده و دارالعلم یزد

سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵

۱. چند خطی وصف مجالس باصفای مقتل شناسی «نشست اهالی باغ سيب» مرحوم آیت الله ابوترابی عطارالله مرقدہ در اثر «تنها علاج» در فصل «سلوکی الگوبرای عاشورا پیروان...» بیان شد.
۲. جهت مطالعه پیش تر «حَدَاثُ الْحُسَيْنِ» (گفتگوگران با امام حسین): رک اثر «دعوا سر اولویت است» از حسین قلم، فصل «همه جا اول حسین: درنگی در روایت حدات الحسین»
«مَا مِنْ عَبْدٍ يَخْشُرُ إِلَّا وَغِيَاةُ بَاكِيَةٍ عَلَى الْبَاكِيَيْنِ عَلَى جَدِّي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ يَخْشُرُ وَغِيَّةَ قَرِيْبَةٍ وَ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْخَلْقُ فِي الْفَرْجِ وَ هُمْ آمِنُونَ وَ الْخَلْقُ يَغْرَضُونَ وَ هُمْ حَدَاثُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ لَا يَخَافُونَ شَوْءَ يَوْمِ الْحِسَابِ...» (کامل الزيارات، ص: ۸۱)

۳. يوسف/ ۴۲